

تمدن پژوهی؛ مطالعات مفهومی تمدن اسلامی

مقدمه، تهیه و تنظیم:

سید حسین حسینی

(عضو هیأت علمای دانشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

همکاری:

مجتبی علی توانا

علی ذوعلم

حبیب زمان

اسماعیل نورماشا

حبیب الله بابایی

قدرت الله قربانی

علیرضا سمیعی



جامعه شناسان

سرشناسه: حسینی، سیدحسین، ۱۳۴۴-
عنوان و نام پدیدآور: تمدن پژوهی: مطالعات مفهومی تمدن اسلامی
تألیف: سیدحسین حسینی

مشخصات نشر: جامعه‌شناسان
مشخصات ظاهری: ۲۱۶ ص: نمودار
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۳-۳۳۳-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: نمایه

موضوع: تمدن اسلامی
موضوع: تمدن اسلامی -- تاثیر ایران
موضوع: علوم -- کشورهای اسلامی
موضوع: علوم اسلامی (اسلام)
موضوع: فرهنگ و جهانی شدن

ه بنده: شماره: ۱۳۴۴/ص ۳۵/۶۲ DS
رده پتان دیویی: ۹۰۹/۰۹۷
شماره اشتراک: ۴۱۷۳۶۸



جامعه‌شناسان

تمدن پژوهی: مطالعات مفهومی تمدن اسلامی
سیدحسین حسینی

چاپ اول: ۱۳۹۵ تهران/ تعداد ۲۰۰ نسخه
قیمت: ۱۹۰۰۰ تومان/ چاپ دیجیتال: نگین
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۳-۳۳۳-۲
همه حقوق چاپ نشر برای ناشر محفوظ است.

حروفچینی، نمونه‌خوانی و صفحه‌آرایی: جامعه‌شناسان
ویراستاری: گروه ویراستاری انتشارات جامعه‌شناسان

فروشگاه و نمایشگاه مرکزی:
تهران، خیابان انقلاب، روبروی درب اصلی
دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، پلاک ۲۱۷
فروشگاه جامعه‌شناسان

تلفن: ۶۶۹۵۹۶۸۰، ۸۱، ۶۶۰۰۰۵۱
تلفن دفتر نشر: ۶۶۹۶۹۶۲۰

این اثر، مشمول قانون حمایت مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب
۱۳۴۸ است. هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مولف
(ناشر) نشر یا پخش یا عرضه کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

WWW.JAMEESHENASAN.COM
Email: Sociologists15@gmail.com

فهرست مطالب

۱۱.....	مقدمه: تمدن پژوهی: ضرورت‌ها و مفهومیابی
۱۱.....	حیات تمدنی
۱۲.....	نقطه وصل تمدن‌سازی
۱۴.....	ضرورت تمدن‌پژوهی
۱۶.....	ضرورت تحلیل مفهوم تمدن
۱۷.....	ساختار بنیادی
۱۸.....	مسئله‌یابی و مسائلی
۱۹.....	گفتمان مشترک در تمدن پژوهی
۲۰.....	اهمیت و اهداف تحقیق
۲۱.....	مسئله تحقیق
۲۲.....	نظم فصول کتاب
۲۳.....	نتایج و رهیافت‌ها
۲۴.....	تشکر و تقدیر
۲۷.....	فصل اول: روش تحلیل مؤلفه‌های مفهومی تمدن
۲۷.....	مقدمه
۳۰.....	۱- دستاوردهای مطالعات تمدن اسلامی
۳۱.....	۲- روش مجموعه‌نگر
۵۵.....	نتیجه‌گیری

منابع	۵۶
فصل دوم: آسیب‌شناسی مطالعات تمدن اسلامی	۵۹
مقدمه	۵۹
۱- آسیب‌شناسی جریان‌های فکری ایران در صدوپنجاه سال اخیر	۶۱
۲- ایده تمدن اسلامی در عصر جهانی‌شدن و پساامدرنیسم	۶۶
نتیجه‌گیری	۶۷
منابع	۶۹
فصل سوم: جهش تمدنی ایرانیان	۷۱
مقدمه	۷۱
۱- تمدن ایران	۷۳
۲- فرضیه تحقیق	۷۴
۳- اوج نخست، ایران اسلامی	۷۵
۴- اوج دوم، ایران شیعی	۷۷
۵- انقلاب اسلامی، آغاز اوج سوم	۷۹
۶- آموزه‌های اسلام ناب	۸۱
۷- ولایت فقیه	۸۳
۸- نظریه پیشرفت	۸۴
نتیجه‌گیری	۸۶
منابع	۸۸

فهرست مطالب ۷

فصل چهارم: نوسازی تمدن اسلامی ۹۱

مقدمه ۹۱

۱- بخش اول: مفاهیم ۹۲

۲- بخش دوم: عوامل نوسازی تمدن اسلامی ۹۵

نتیجه‌گیری ۱۰۷

منابع ۱۰۸

فصل پنجم: تبیین معرفتی ماهیت پاسخگویی تمدن اسلامی به نیازهای انسانی

..... ۱۱۱

مقدمه ۱۱۱

۱- پیشینه بحث ۱۱۴

۲- بیان مسأله و روش تحقیق ۱۱۵

۳- نیازهای اخلاقی انسان و ماهیت تمدن اسلامی ۱۱۵

۴- نیازهای علمی انسان و ماهیت تمدن اسلامی ۱۱۸

۵- جهان مدرن و ماهیت تمدن اسلامی ۱۲۲

نتیجه‌گیری ۱۲۶

منابع ۱۲۷

فصل ششم: الهیات معطوف به تمدن ۱۳۱

مقدمه ۱۳۱

۱- الهیات معطوف به عمل اجتماعی ۱۳۲

۲- روش‌ها در صورت‌بندی چندرشته‌ای الهیات معطوف به تمدن ۱۳۸

نتیجه گیری ۱۴۵

منابع ۱۴۷

فصل هفتم: جایگاه اسلامی سازی علم در بازسازی تمدن اسلامی..... ۱۴۹

مقدمه ۱۴۹

۱- جایگاه علم در تمدن سازی از نظر اسلام..... ۱۵۰

۲- نقش اسلامی سازی علم در عصر طلایی اسلام در شکوفایی تمدن اسلامی ۱۵۲

۳- اولویت اسلامی سازی علم در بازسازی تمدن اسلامی ۱۵۹

۴- برخی از ابعاد و ویژگی های اسلامی سازی معرفت ۱۶۳

نتیجه گیری ۱۷۱

منابع ۱۷۲

فصل هشتم: ریشه یابی و چالش تمدن جهانی سازی با تمدن اسلامی..... ۱۷۵

مقدمه ۱۷۵

۱- مبانی نظری ۱۷۷

۲- تعریف مفاهیم ۱۷۸

۳- چالش های جهانی شدن ۱۸۲

۴- درهم ریختگی جدید جهانی شدن فرهنگ ۱۸۴

۵- اسلام و جهانی شدن ۱۸۹

۶- انقلاب اسلامی ایران و مدرنیته ۱۹۰

۷- جهانی شدن و پایان مدرنیته ۱۹۱

۸- وظیفه ما در قبال پیامدهای فرهنگی جهانی شدن ۱۹۳

فهرست مطالب ۹

نتیجه گیری ۱۹۴

منابع ۱۹۵

فصل نهم: جمع بندی و نتیجه گیری ۱۹۹

جمع بندی ۱۹۹

نتیجه گیری ۲۰۵

نمایه ۲۱۱

فهرست اندک ۲۱۱

نمایه موضوعی ۲۱۴

مقدمه: تمدن پژوهی؛ ضرورت‌ها و مفهومیابی

«لو کان العلم بالثریا لَتَنَالَهُ رِجَالٌ مِّن فَارِس»^۱

حیات تمدنی

۱. شاید انسان تنها موجودی است که در گستره حیات بی‌کران، از نوع خاصی «حیات تمدنی» برخوردار است، یا حداقل آن است که حیات تمدنی وی، با ساختارهای ویژه‌ای، از سایر موجودات متمایز و جدا می‌شود:
 - فرایندهای میخته با زندگی جمعی و گروهی. (پاره اول)
 - نمود شایسته‌ای بهر اندیشه و عرصه بی‌کرانه گرایش‌ها و باورهای ژرف بشری. (پاره دوم و سوم)
 - هم‌آمیختگی رازآلود انسان با ذات شخصی، فردی و اجتماعی و هر آینه عواطف پرشور انسانی در دامنه‌های مآل و فرامآلی و حتی تفرغ‌های زمینی و تَبخترهای کیهانی. (پاره چهارم و پنجم)
 - افسون علم و دانش و افسون‌سری‌های فناوری‌های صنعتی و چیرگی پرسائقه تکنولوژی. (پاره ششم و هفتم)
 - زایش و نوزایی نوبه‌نو و گسترش یک پویش‌های بزرگی حتی در افق زیست‌محیطی تا هم‌آوردی انسان و طبیعت. (پاره هشتم و نهم)
 - دامنه درهم‌تنیده سرنوشت جهانی انسان و تأثیر فزاینده حیات تمدنی بر انجام و سرانجام آدمی. (پاره دهم و یازدهم)
 - و البته تسری معادلات تمدنی در ترسیم جریان‌سازی جامعه، فرهنگ و تاریخ. (پاره دوازدهم)

بر این پایه، حیات تمدنی انسان، گونه نظام‌مندی از زیست اجتماعی آدمی به حساب می‌آید که با پاره‌های دوازده‌گانه پیش و یگانه پسین همراه

۱. روایت پیامبر اکرم (ص) در: ری شهری، محمد، میزان الحکمه، جلد ۱۰، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۷، ص ۴۵۷۲.

و هم‌افق می‌شود. در میان این بنیان‌ها، شورآفرین‌ترین و هیجان‌برانگیزترین این عرصه‌ها، تحلیل‌گری‌های آدمی از خود آدمی است و در این ره‌آورد، «تمدن‌پژوهی» وی قرار دارد. (پارهٔ سیزدهم)

انسان در بستر تمدن می‌زاید، در بستر تمدن می‌پوید و در بستر تمدن می‌میرد. یعنی تولد و پیدایش، رشد و پویش و مرگ و پیرایش وی، قرین با حیات تمدنی اوست. با این‌همه، در چارچوب تنگ و حصار حیات تمدنی، از حیات تمدنی نیز سخن می‌راند و به‌گونه‌ای پیوسته و گسترده، در بستر تمدن پژوهش می‌کند. بدین‌سان آن را بنیاد می‌نهد؛ با عناصر کار و تلاش، آن را می‌آورد؛ با عنصر تحقیق و پژوهش، و اینک در عصر نو اُمّا، آن را ویرانه می‌اندازد و با عقل نوین‌یاداندیش خود!

تمامی این نگارهای خرد و کلان، زیبا و زشت، بر جذابیت و حساسیت و به‌ضرورت بر اهمیت مباحث و «مطالعات تمدن‌پژوهی» می‌افزاید و البته در زمان حال، یز ما را بیش از پیش به سوی خود فرامی‌خواند. عنصر دانش‌پژوهی در هر عرصه‌ای از جغرافیای پُرافسون انسانی بشرِ دیروز و امروز که ما را به سوی نگاه و گام‌هایی نوین و متعالی پیش بُرد، دامنهٔ حیات تمدنی انسان را شکوفاتر خواهد کرد تا انسان فردا در فردایی بهتر، از آفرینه‌های آفرینش برخوردار شود. صالته مشروط بر این آگاهی بلند که به مرزهای فرازناهی زمان حیات تمدنی و راه‌های ماندگاری آن نیز واقف باشیم. در این ردیف، مباحث تمدن‌پژوهی می‌تواند این قابلیت و ظرفیت افزون و بالنده را به‌درستی به ما بنمایاند.

نقطهٔ وصل تمدن‌سازی

۲- جامعهٔ اسلامی در آستانهٔ برآمدن تمدن نوین اسلامی - ایرانی قرار گرفته است؛ تمدنی که انتظار می‌رود بار دیگر بشریت معاصر را با دروازه‌های طلایی اسلام و نیز عقلانیت ایرانی آشنا ساخته و دریچه‌های حیات پاک جدید تمدنی را به روی وی بگشاید و هرآینه جانشین تمدن خسته و خمود کنونی شود.

اما دستیابی به چنین تمدنی، بدون «دانش تمدنی» امکان‌پذیر نخواهد بود؛ چرا که تمدن صرفاً یک آرمان مطلوب ذهنی و تجربیدی نیست، بلکه تماماً عینیت‌یافتگی سیطره‌ای فراگیر در گستره‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بشر امروزمین است و البته تحقق چنین منظومه‌های شکلی و صورتی نظام‌یافته‌ای، بدون بنیاد عمیق و دقیق دانش و دستاوردهای علمی و معرفتی و سپس فنی و تکنولوژیکی ممکن نیست.

اما این دانش نو بنیاد چه نوع دانشی است؟ آیا همان مجموعه تفکرات و اندیشه‌ها موجود در بستر و خاستگاه عقل نو بنیاد بشر قرون جدید است. مجموعه دانش موجود در سنت پیشینیان جهان اسلام؟ و دیگر آن که آیا اصولاً می‌توان برای پاسخگویی به یک نیاز نو و جدید، صرفاً بر داشته‌های در دسترس و موجود تکیه کرد؟ گرچه نویسنده این سطور، به ضرورت ترکیبی از روش‌های علمی و فنی، با تکیه بر ضرورت طراحی یک مدل جامع دانشی معتقد است، اما بر آن یارادایم کاملاً نو، جدید و نظام‌مند، هم بتوان از عناصر علمی موجود دیگر بهره برد و هم این که نهایتاً از این طریق، به مجموعه دانش‌های انوعی و متناسب با ساخت تمدن نوین اسلامی دست یافت؛ اما در هر فرض متصور، ابداع و ساخت دانش تمدنی جدید منوط به ضرورت نظریه‌پردازی و طراحی نظریه‌های علمی مدون و نظام‌مند است، چرا که نقطه وصل و نقطه مجرای دانش، «نظریه و تئوری» است؛ که دانش بی نظریه یا به جمع متفرقه اما رعنای ناکارآمد منتهی خواهد شد، یا یک فعالیت علمی را به فعالیت عوامی و تلاشی عامیانه و تقنینی تبدیل می‌کند. بدین سان «نظریه‌سازی»، نقطه وصل «دانش» و دانش، نقطه وصل «تمدن‌سازی» است و این بدان معناست که پرسش‌ها، ابهامات، مسائل و چالش‌های نظری بسیاری که در زمینه نظریه‌پردازی وجود دارد می‌تواند در زیر عنوان نظریه‌پژوهی به بحث و

تبادل نظر جمعی گذارده شود. در نتیجه «نظریه پژوهی»^۱ پژوهش و تحقیق پیرامون این ابعاد و زوایای گسترده و بسیار ضروری جامعه اسلامی ایرانی و هرآینه جامعه علمی امروز ماست و یکی از این حوزه‌ها، مطالعات تمدنی و تمدن پژوهی است.

بدین ترتیب در حوزه مطالعات تمدنی، سه ضرورت پیش روی ما قرار می‌گیرد: ۱- ضرورت تمدن پژوهی، ۲- ضرورت تحلیل مفهوم تمدن و ۳- ضرورت تعیین ساختار پژوهشی.

ضرورت تمدن پژوهی

۳- بی‌گمان تمدن‌سازی مستلزم تمدن پژوهی است و در دنیای امروز، هر فرهنگی که به سوی تمدن‌سازی حرکت نکند، قابلیت جامعه‌سازی خود را از دست خواهد داد و ضرورتاً به لایه‌های درونی و فردی خود فروکاسته خواهد شد. این سخن بدان معناست که دریاب ضرورت تمدن پژوهی در دنیای معاصر، ناممکن است. پیچیده و مشکلی نیستیم؛ چرا که در ذائقه جهان امروز، هر جامعه‌ای که درصدد تحقق تمدن نباشد، به حدود مرزهای جغرافیایی خود محصور خواهد شد. یعنی جهان معاصر، جهان تمدنی است؛ تقابل و تبرد، یا تعامل و تطابق و گفتگو، یا قدرت و سیطره، همه در حوزه بین تمدنی است؛ تا آنجا که اگر زبان و فرهنگی هم مطرح باشد، فرهنگ و زبان بین تمدنی است. بنابراین باید انسان امروز را انسان تمدنی و حیات وی را حیات تمدنی بنامیم.

می‌توان چنین نتیجه گرفت که تمدن از چارچوب یک ارزش و مفهوم نظری و تجربی صرف خارج شده و به یکی از مهم‌ترین واقعیت‌های اجتماعی و عینی بشر امروز تبدیل شده است.

۱. رک: چکیده مقالات همایش نظریه پژوهی، پژوهشکده فرهنگ اسلام و ایران، ۸ دی ۱۳۸۹.

۲. رک: حسینی، سیدحسین، ۳ ض (سه ضرورت در حوزه مطالعات تمدنی)، متن سخنرانی در افتتاحیه همایش ملی تمدن شناخت، پژوهشکده فرهنگ اسلام و ایران، ۱۳۹۰/۲/۲۱.

۴- شاید بر همین بنیان، در دوره کنونی، تحلیل و بازکاوی مفهوم تمدن و ارزیابی منتقدانه مؤلفه‌های آن، به یکی از ضروری‌ترین نیازهای پژوهشی جوامع علمی تبدیل شده است. مطالعات تطبیقی و میان‌رشته‌ای در حوزه فرهنگ و تمدن، پر دامنه و پر آوازه است و البته هم‌افزایی فرهنگ‌پژوهی با تمدن‌پژوهی نیز بر همین برنهاد تأکید می‌ورزد. با این همه، فرهنگ و تمدن از دست واژه‌ها و مفاهیمی هستند که به دلیل گستردگی حوزه کارکردی‌شان، تلاش اندیشمندان در قرون گذشته و حال نیز شناخت تمامی ابعاد آنها را میسر نساخته است.^۱ بنابراین می‌توان اهمیت تمدن‌سازی را یکی از مهم‌ترین عمل‌های مباحث و مطالعات تمدنی در دنیای کنونی تلقی کرد.

۵- با این همه، اما در جامعه اسلامی و ایرانی و در سپهر اندیشه دینی، در خصوص مطالعات تمدنی و به‌ویژه مطالعات خاص تمدن اسلامی با مشکلات چندی روبه‌رو هستیم، چراکه به دلیل روبه‌رویی با پرسش‌ها و چالش‌های روزافزونی، این امر در حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی دوچندان می‌نمایند؛ تمدنی که از سوی بعضی بازنشاسی حیات پیشینی و از سوی دیگر، احیاء و بازتولید ساختارهای نو و پسینی است و آنچه بر این مشکل می‌افزاید، این است که در شرایط کنونی جهان معاصر، در عرصه ظهور و بروز سیطره تمدن رقیب نیز قرار دارد.

بدین ترتیب چنانچه انقلاب اسلامی، جامعه ایرانی، در بستر حرکت جدید و در سمت و سوی تحقق تمدن نوین اسلامی - برای قرار داده، آنگاه باید پذیرفت که چالش‌های نظری و مشکلات کاربردی بسیاری پیش روی ما قرار دارد. از جمله در این خصوص باید به سه «چ» پاسخ داد:

الف: چیستی تمدن اسلامی؟ یعنی تمدن اسلامی از حیث مفهومی به چه معناست؟ در این خصوص باید به ماهیت نظری مفهوم تمدن نظر انداخته و بر ضرورت تحلیل مؤلفه‌های مفهومی واژه تمدن تأکید ورزید.

۱. رک: حسینی، سیدحسین. مقاله تمدن دینی و فرهنگ جهانی، چکیده مقالات همایش بین‌المللی تنوع فرهنگی و هم‌گرایی جهانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۲ تا ۵ مرداد ۱۳۸۹.